

۱۴۰۵۵۷۳۰
۹۶/۴۲۸

گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی

پیرامون رضاشاه

علیرضا ملایی توانی

www.ketab.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه

مؤلف: علیرضا ملایی توانی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

ویراستار: علیرضا پلاسید

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: زینب جهانیان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

اجرای جلد: فرزانه صادقیان

ناشر: چاپ: مجید اسماعیلی زارع

شابک: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: ملایی توانی، علیرضا، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه/علیرضا ملایی توانی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ص، ۲۸۷ ص.

شابک: 978-964-426-890-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: تاریخ‌نویسی

موضوع: تاریخ‌نویسی — ایران

موضوع: تاریخ‌نویسی — ایران — تاریخ

موضوع: ایران — تاریخ — پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ D۱۳/م۷

رده بندی دیویی: ۹۰۷/۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۱۶۰۱۲

فهرست مطالب

مقدمه.....	ک
فصل اول: ملاقاتی و رسمی تاریخ‌نگاری رسمی و کارکردهای آن.....	۱
درآمدی به موضوع.....	۳
تعریف تاریخ‌نگاری رسمی.....	۳
کارکرد اجتماعی تاریخ‌نگاری رسمی.....	۴
پیشینه تاریخ‌نگاری رسمی.....	۶
چرا بیشتر متن‌های تاریخی پیش از مشروطه ایران، زمره تاریخ‌های رسمی‌اند؟.....	۷
ظهور گفتمان‌های رقیب و کاهش اعتبار تاریخ‌نگاری رسمی.....	۹
نهادهای تاریخ‌نگاری در گذشته: پایگاه اجتماعی مورخان رسمی.....	۱۳
یک پرسش مهم.....	۱۶
فصل دوم: بافت، زمینه و فرایند تولید متن‌های تاریخ‌نگاری رسمی در دوره پهلوی.....	۱۹
طرح موضوع.....	۲۱
بافت و فضای تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی.....	۲۱
چرا حکومت پهلوی به تولید گسترده تاریخ‌های رسمی روی آورد؟.....	۲۵
گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه.....	۲۷
الف) تاریخ‌نگاری مناسبت-محور.....	۲۷
۱) بزرگداشت سوم اسفند و مقام رضاشاه.....	۲۸
۲) احترام به جنازه رضاشاه.....	۲۸

۲۹	۳ انتشار آثار گوناگون به مناسبت تاج‌گذاری
۳۰	۴ پنجاهمین سالگرد سلطنت پهلوی
۳۱	۵ یکصدمین سالگرد تولد رضاشاه
۳۲	۶ مناسبت شاذ
۳۳	ب) گونه‌شناسی تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی
۳۳	۱ تاریخ‌نگاری اختصاصی رضاشاه
۳۴	۲ تاریخ‌نگاری سلسله‌ای
۳۴	۳ تاریخ‌نگاری عمومی
۳۵	۴ تاریخ‌نگاری رخداد محور
۳۵	۵ تاریخ‌نگاری هشتاد و نه
۳۶	۵ تاریخ‌نگاری مصور
۳۷	۶ تاریخ‌نگاری از زاویه نگاه روزنامه‌ها نشریه‌های خارجی
۳۷	۷ تاریخ‌نگاری نظامی
۳۷	۸ تاریخ‌نگاری مبتنی بر اسناد و مدارک آسیوی
۳۸	۹ در دفاع از اصل نظام سلطنت
۳۸	۱۰ تولید منابع رسمی
۳۸	الف) سفرنامه‌های رضاشاه
۳۹	ب) یادداشت‌های رضاشاه
۳۹	ج) منابع خاطره - محور
۴۱	فصل سوم: ملاحظات روش‌شناختی در تاریخ‌نگاری‌های رسمی دوره پهلوی
۴۳	درآمدی به موضوع
۴۳	منابع مورخان رسمی
۴۶	الگو یا راهنمای تاریخ‌نویسی
۴۸	روند تحول تاریخ‌نگاری رسمی
۵۰	تفکر فلسفی درباره تاریخ

مورخان رسمی و دغدغه عینیت: نگاهی به دیباچه‌های تاریخی.....	۵۲
چگونگی پردازش رخدادهای تاریخی.....	۵۸
نگاه انتقادی به رضاشاه.....	۶۱
فصل چهارم: دفاع از نظام سلطنت و حقانیت پادشاهی رضاشاه.....	۶۷
درآمدی به موضوع.....	۶۹
۱) نظام مشروطه و ماهیت آن در گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی.....	۷۰
۲) جایگاه مجلس در گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی.....	۷۳
۳) دوره کمالی معزوب.....	۷۷
۴) تأکید بر کارآمدی حکومت به پای حقانیت.....	۷۷
۵) دفاع از اصل سلطنت: سرور و تداوم هژمونی گفتمان حاکم.....	۷۸
بازتعریف جایگاه شاه.....	۸۵
فصل پنجم: تصویرپردازی از شخصیت رضاشاه.....	۹۳
درآمدی به موضوع.....	۹۵
سیمای جسمی و روحی سردار سپه.....	۹۵
پیشینه خاندانی.....	۹۸
عمل و اندیشه دینی رضاشاه در تاریخ‌نویسی رسمی.....	۱۰۱
میهن‌دوستی و ایران‌گرایی رضاشاه.....	۱۰۴
اندیشه‌های رضاشاه.....	۱۰۷
الگوپردازی شخصیت رضاشاه.....	۱۰۸
فصل ششم: قهرمان‌پردازی و مشیت‌گرایی در تحلیل تاریخی.....	۱۱۳
درآمدی به موضوع.....	۱۱۵
اندیشه قهرمان‌گرایی و نظریه مردان بزرگ.....	۱۱۵
۱) کودتا به عنوان اقدامی قهرمان‌آمیز.....	۱۱۸
۲) اقدامات و اصلاحات رضاشاه به عنوان شاهکار تمدنی.....	۱۲۱
۳) مقایسه رضاشاه با شخصیت‌های بزرگ گذشته ایران.....	۱۲۳

۱۲۷.....	نظریه مشیت الهی.....
۱۲۸.....	(۱) داستان یخ زدن رضاخان در راه فیروزکوه به تهران.....
۱۳۰.....	(۲) دست غیبی در جنگ‌های دوره مشروطه.....
۱۳۲.....	(۳) تحقق مشیت الهی در قالب کودتای ۱۲۹۹.....
۱۳۹.....	فصل هفتم: نقد و ارزیابی روایت کودتای ۱۲۹۹ در تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی.....
۱۴۱.....	درآمدی به موضوع.....
۱۴۲.....	ضرب‌تاج یک روایت مسلط درباره کودتا.....
۱۴۳.....	کودتا به‌عنوان لحظه‌ای خاص در حیات ملی ایرانیان.....
۱۴۷.....	منشاء اصلی روایت رسمی کودتای ۱۲۹۹.....
۱۴۹.....	رضاخان در این روایت چه می‌گوید؟.....
۱۵۲.....	تحلیل این ابلاغیه.....
۱۵۸.....	روایت محمدرضا پهلوی و پیروی مرزبان رسمی.....
۱۶۲.....	آیا کسان دیگری هم در اندیشه کودتا بودند؟.....
۱۶۳.....	تفکر کودتا و شکل‌گیری نطفه آن.....
۱۶۹.....	فصل هشتم: روایت رسمی از نقش سیدضیاء و انگیزه‌های آن در کودتای ۱۲۹۹.....
۱۷۱.....	درآمدی به موضوع.....
۱۷۱.....	انگلیس و کودتای ۱۲۹۹.....
۱۷۴.....	منشاء روایت نقش انگلیس و سیدضیاء در کودتای ۱۲۹۹.....
۱۷۷.....	روایت محمدرضا پهلوی از نقش سیدضیاء: اتحاد از سر ناگزیری.....
۱۷۸.....	الگوهای تبیین نقش سیدضیاء در کودتای ۱۲۹۹.....
۱۷۹.....	(الف) انکار یا نادیده‌انگاری حضور سیدضیاء در فرایند کودتا.....
۱۸۰.....	(ب) سیدضیاء مجری فرمان رضاخان.....
۱۸۲.....	(پ) همراهی ناگزیر و جدایی مسیر.....
۱۸۶.....	روایت نقش بریتانیا در کودتا.....
۱۹۲.....	مداخله بریتانیا از زبان پژوهشگران ایرانی و انگلیسی.....

۱۹۹	جمع‌بندی و ارزیابی
۲۰۷	فصل نهم: بازتاب مسائل بحث‌انگیز دوره رضاشاه در گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی
۲۰۹	درآمدی به موضوع
۲۰۹	رضاخان و کابینه کودتا
۲۱۰	الف) رضاخان عامل صدور حکم ریاست‌وزرایی سیدضیاء
۲۱۱	ب) موقعیت رضاخان در کابینه کودتا
۲۱۲	پ) نادیده انگاشتن رخا‌دها
۲۱۲	برکناری سیدضیاء و سقوط کابینه کودتا
۲۱۴	دولت‌های پس از کودتا
۲۱۴	جمهوری خواهی
۲۱۷	جمهوری خواهی؛ یک انقلاب مفید یک حرکت خودجوش
۲۲۰	قتل ایمری
۲۲۱	بحران خزعل
۲۲۴	تغییر سلطنت
۲۲۸	مهاجرت علما در مخالفت با قانون نظام وظیفه عمومی
۲۲۹	کشف حجاب
۲۳۱	تجدید قرارداد داری
۲۳۳	جنگ جهانی دوم: شهریور ۱۳۲۰ و استعفای رضاشاه
۲۴۳	فصل دهم: بازتاب اصلاحات رضاشاه در تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی
۲۴۵	درآمدی به موضوع
۲۴۷	امنیت کشور
۲۴۸	اصلاحات نظامی
۲۵۰	احیای غرور ملی
۲۵۱	اصلاحات اداری
۲۵۲	اقدامات قضایی

ی گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه

۲۵۲	اصلاحات اجتماعی و شهری
۲۵۳	اصلاحات اقتصادی
۲۵۴	اصلاحات کشاورزی
۲۵۴	اصلاحات و پیشرفت‌های صنعتی
۲۵۵	اصلاحات فرهنگی و آموزشی
۲۵۶	حمل و نقل و ارتباطات
۲۵۷	اصلاحات بهداشتی
۲۵۸	اسکان‌شناسی
۲۵۸	روابط خارجی
۲۶۳	فصل یازدهم: گفتمان انتقادی و مبارزه اجتماعی
۲۶۵	درآمدی به موضوع
۲۶۵	گفتمان انتقادی و مبارزه اجتماعی
۲۶۸	دشواری‌های پژوهش در عرصه تاریخ‌نگاری
۲۷۰	گفتمان تاریخی و مناسبات قدرت
۲۷۱	منشاء و خاستگاه اجتماعی و طبقاتی مورخان دوره پهلوی
۲۷۲	اهمیت علمی تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی: راهی برای فهم پنهان‌ها و ایدئولوژی حاکم بر آن‌ها
۲۷۵	ایدئولوژی پنهان و مخاطرات
۲۷۹	منابع

مقدمه

هر حکومتی تاریخ‌نگاری رسمی نیاز دارد تا به وسیله آن، از یک سو، به نیازهای سیاسی و ایدئولوژیکی و کارکردهای هویتی و مشروعیت‌بخش خود پاسخ گوید، و از سوی دیگر، شکاف‌های معنایی و مردمی موجود را پر کند. طبیعی است متناسب با دگرگونی در بافت و ساخت اجتماعی و تحول در مناسبات قدرت و نیز تغییر ایدئولوژی حکومت‌ها کارکردهای گفتمانی و اجتماعی تاریخ‌نگاری رسمی نیز دگرگون می‌شود و متن‌های آن محتوا و جهت‌گیری متفاوتی پیدا می‌کند.

سیر تاریخ‌نگاری در ایران نشانگر آن است که در ماهیت گفتمانی و کارکردی تاریخ‌نگاری رسمی ایران تا دوره مشروطه دگرگونی مهمی رخ داده است؛ گرچه در میانه دوره قاجار تاریخ‌نگاری مدرن غربی در تاریخ‌نگاری سنتی ایران تأثیرات اندک برجا گذاشت، اما ساختار و ماهیت آن را تغییر نداد.

با پیروزی مشروطه گسست معناداری در روند تاریخ‌نگاری رسمی ایران اتفاق افتاد که پیامد آن افول موقتی تاریخ‌نگاری رسمی و برآمدن گفتمان‌های گوناگون تاریخی بود. گرچه این تحول در پی تغییر ایدئولوژی و دگرگونی در مناسبات قدرت کاملاً طبیعی به نظر می‌رسید، اما ناپایداری نظام مشروطه اجازه نداد تا جایگاه تاریخ‌نگاری مستقل و در حال ظهور ایران تثبیت شود و ثبات معنایی پیدا کند. با افول گفتمان مشروطه‌خواهی و انتقال سلطنت از خاندان قاجار به خاندان پهلوی تاریخ‌نگاری رسمی بار دیگر مقتدرانه احیا شد و در کانون توجه دولت پهلوی قرار گرفت.

تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی به چند دلیل دارای اهمیت است: نخست، فراوانی و تنوع آثار؛ دوم، سبک و روش؛ سوم، کارکردهای گفتمانی خاص؛ چهارم، پیوند این تاریخ‌نگاری با نهاد قدرت و ایدئولوژی حاکم؛ و پنجم، به دلیل شباهت‌های ماهوی آن با تاریخ‌نگاری رسمی پیش و پس از خود.

با توجه به آنچه گفته شد، مسأله اصلی این تحقیق بررسی چگونگی عملکرد گفتمان

ل گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه

تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی درباره رضاشاه است. این پژوهش می‌کوشد از یک‌سو، پیوند قدرت - دانش را در متن این تاریخ‌نگاری آشکار کند و از سوی دیگر، با تحلیل پیام‌های زبانی موجود در این متن‌ها و بررسی کارکردهای گفتمانی و اجتماعی آن‌ها، به فهمی روشن‌تری از واقعیات بازنمایی شده در تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی دست یابد. طبیعی است که تحقق این هدف مستلزم بررسی انتقادی روایت رسمی حکومت پهلوی از تحولات دوره رضاشاه است تا در نهایت از جهت‌گیری‌های گفتمانی تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی اول و هدف‌های آن - تا آن جا که ساعت علمی نگارنده اجازه می‌دهد - پرده‌برداری شود.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر قصد دارد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: الف) مهم‌ترین گونه‌های تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی اول درباره رضاشاه کدامند؟ ب) جهت‌گیری گفتمانی حاکم بر تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی درباره رضاشاه چیست؟ پ) سیمای رضاشاه در تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی چگونه ترسیم شده است؟ ت) مهم‌ترین ویژگی‌های روش‌شناختی تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی چیست؟ ث) کودتای ۱۲۹۹ که مهم‌ترین رخداد مرتبط با برآمدن سلسله پهلوی است، در تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی چگونه روایت شده است و این روایت چه ضعف‌ها و کاستی‌هایی دارد؟ ه) گفتمان اصلی حاکم بر این روایت چیست؟ ج) مسائل بحث‌برانگیز دوره رضاشاه در گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی چگونه بازنمایی شده‌اند؟ چ) اصلاحات رضاشاه در این تاریخ‌نگاری چگونه بازتاب یافته است؟ خ) ایدئولوژی پنهان در متن این تاریخ‌نگاری چیست و مناسبات قدرت - دانش در آن چگونه مدخل شده است؟

با وجود نقش بارزی که تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی در شکل دادن به آگاهی تاریخی ایرانیان، به‌ویژه در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ ایفا کرد، هم‌چون ابزاری ایدئولوژیک در خدمت نهاد قدرت بود، تاریخ‌نگاری رسمی این دوره هنوز چنان که باید بررسی نشده است. گرچه تاکنون سمینارهای متعددی درباره برخی از رخدادها و بحث‌برانگیز شدن کودتای ۱۲۹۹، تغییر سلطنت، سیاست‌های حکومت رضاشاه در برابر دین و روحانیون و همچنین نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی دوم و... برگزار شده و اسناد و آثار فراوانی درباره این رخدادها انتشار یافته است، اما تاکنون نه متن‌های تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی بررسی شده است و نه گفتمان آن.

البته، در سایر حوزه‌های تاریخ‌نگاری عهد پهلوی آثاری به زبان فارسی نگاشته شده است، که از آن جمله می‌توان به کتاب جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی اثر سیمین فصیحی اشاره کرد. گرچه این اثر تنها کتابی است که به طور مشخص به تاریخ‌نگاری عهد پهلوی

پرداخته، اما در آن هیچ سخنی از تاریخ‌نگاری رسمی به میان نیامده است. در عوض، نویسنده در این کتاب سایر جریان‌های تاریخ‌نگاری مانند تاریخ‌نگاری مارکسیستی، تاریخ‌نگاری آکادمیک و تاریخ‌نگاری ملی‌گرا را بررسی نموده است که از این جهت اثری است خواندنی و ارزشمند.

از دیگر آثار دربارهٔ این موضوع، می‌توان از کتاب ابوالفضل شکوری با عنوان *جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر* یاد کرد. در این اثر نویسنده به برخی از تاریخ‌های رسمی با نگاهی بسیار بدبینانه می‌نگرد و آن‌ها را مشحون از تحریف، دگرگون‌سازی حقیقت، تملق و چاپلوسی، سلطان‌ستایی و آن به نرخ روز خوری می‌داند و ارزش و اعتبار آن‌ها را به شدت زیر سؤال می‌برد.^۱

جهت‌گیری بی‌ارزشی - ایدئولوژیک آشکار تاریخ‌نگاری رسمی دورهٔ پهلوی سبب شده است که این تاریخ‌نگاری چندان به باید و کار کانون توجه و بررسی قرار نگیرد. این در حالی است که به نظر می‌رسد با توجه به تداوم این شیوه از تاریخ‌نگاری تا امروز، بررسی گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی امری ضروری است. بررسی انتقادی است. تاریخ‌نگاری رسمی می‌تواند راه را برای طرح گفتمان‌های تازه‌تر در حوزهٔ تاریخ‌نگاری ایران هموار کند و همچنین به طرح چارچوبی روش‌شناختی برای بررسی تاریخ‌نگاری رسمی به رشد و غنای معرفت تاریخی بیانجامد.

تلاش برای اعتلای دانش تاریخ‌نگاری از رهبر رویکرد انتقادی به میراث تاریخ‌نگاری رسمی دورهٔ پهلوی از اهداف اصلی این پژوهش است. شناخت و معرفی آثاری که در دورهٔ پهلوی دربارهٔ رضاشاه نوشته شده است، شناخت گفتمان‌های حاکم بر تاریخ‌نگاری رسمی دورهٔ پهلوی دربارهٔ رضاشاه، نقد کارکرد گفتمانی این نوع تاریخ‌نگاری از منظر موضوعی، روشی و محتوایی و همچنین شناخت جهت‌گیری حاکم بر آن از دیگر اهداف این پژوهش است. در نهایت راه برای بررسی‌های دقیق‌تر تاریخ‌نگاری دورهٔ پهلوی و نیز دوره‌های قبل و بعد از آن هموار شود.

از منظر نوع و روش تحقیق می‌توان گفت، چون این پژوهش به مقولهٔ تاریخ‌نگاری می‌پردازد، عملاً در قلمرو معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تاریخی جای می‌گیرد که از حوزه‌های بنیادین دانش تاریخ است. ابزار و شیوهٔ گردآوری داده‌های این تحقیق کتابخانه‌ای است. این پژوهش به لحاظ موضوعی بیشتر آثاری را که در سراسر دورهٔ پهلوی با رویکرد تاریخ‌نگاری رسمی دربارهٔ دورهٔ رضاشاه (یعنی تحولات سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۰۰) نوشته شده است در بر می‌گیرد. قلمرو مکانی این پژوهش کشور ایران است.

با عنایت به مفاهیم مهمی که در این پژوهش به کار رفته است، ضروری است نگاهی

اجمالی به این مفاهیم بیافکنیم تا بر بنیاد آن بتوانیم چارچوب روش‌شناختی پژوهش را روشن کنیم. «تاریخ‌نگاری» یکی از مفاهیم اساسی این تحقیق است. تاریخ‌نگاری به دو دلیل مفهومی بفرنج است: نخست، به دلیل پیوند آن با ذهن و زبان مورخ و به بیان دیگر، به دلیل پیوند آن با فهم‌ها و پیش‌فهم‌ها، باورها، نگرش‌ها، علاقه‌ها، احساسات، ایده‌ها، عواطف، انگیزش‌ها، تعلق‌های انسانی و ... مورخ؛ و دوم، به دلیل پیوند مورخ با بافت و موقعیت اجتماعی، ساخت ایدئولوژیک و مناسبات قدرت که ریشه در خاستگاه خانوادگی، مذهبی، سیاسی، ملی، زبانی، طبقاتی، تمدنی مورخ دارد. به همین دلیل، تاریخ‌نگاری شکل گفتمانی پیدا می‌کند.

در واقع، تاریخ‌نگاری مجموعه‌ای از گفتمان‌های نایکسان درباره گذشته است که می‌کوشد گذشته انسانی را برای «انسان روزگار خود» تفسیر و معنادار کند. این عمل به تعبیر ای. اچ. کار بر اساس کنش و دانش مداوم مورخ و امور واقع و گفت و شنود پایان‌ناپذیر حال و گذشته انجام می‌شود و در این تفسیر مورخ بر رخداده‌ها تحمیل می‌گردد.^۲

با تغییر گفتمان تاریخ‌نگاری، روایت‌ها و خوانش‌های تازه جانشین روایت‌های قبلی می‌شود تا هم معانی جدیدی تولید شود و هم فهم‌های متفاوتی شکل بگیرد. بنابراین، مانند سایر گفتمان‌ها، گفتمان تاریخ‌نگاری نیز بیانگر چگونگی نگاه‌های به ذهنیت‌ها و روابط اجتماعی و مناسبات قدرت در چارچوب روایت‌های تاریخی، به طور عام است و همچنین نشان می‌دهد که روایت تاریخی چگونه، با چه کیفیتی، با چه زبانی و با چه انگیزه‌ای گذشته را برای انسان هم‌روزگار خود معنادار می‌کند.

اما بحث درباره این پرسش که بازنمایی مورخ از گذشته، تا چه اندازه عینی و حقیقی است از جدی‌ترین مجادلات فیلسوفان علم تاریخ است که از منظر ساحت، فکری و معرفت‌شناسی تاریخی گوناگون می‌توان به آن پاسخ‌های متعددی داد.

بر اساس رویکرد گفتمانی، کنش بشر در گذشته امری نیست که بتوان آن را دقیقاً همان گونه که بوده است بازنمایی کرد، زیرا انسان‌های اعصار گذشته در قالب گفتمان مورخ تبدیل به بازیگرانی می‌شوند که کارگردانی به نام مورخ آن‌ها را به ایفای نقش وادار می‌دارد و آن‌ها باید به سرنوشتی که کارگردان در متن‌های تاریخی برای ایشان رقم می‌زند، تن بدهند تا بتوانند از این طریق از گذشته مرده خود زنده بیرون بیایند. در این رویکرد انسان‌های اعصار گذشته به ابزاری برای درک گفتمان مورخ تبدیل می‌شوند. بنابراین، نه می‌شود و نه می‌توان تاریخ‌نگاری موجود را شامل کل گذشته دانست. شاید تعبیر کیت جنکینز (فیلسوف پسا مدرن تاریخ) در این باره تا حد

زیادی روشن‌گر باشد: تاریخ به منزله یک گفتمان روایی منشور محتوایش به همان میزان یافتنی است، تخیلی هم هست.^۳

«گفتمان»^۴ دومین و شاید اساسی‌ترین مفهومی است که بنیاد این پژوهش بر آن استوار است. هر گفتمانی دو وجه متمایز دارد: نخست، وجه بیرونی یا آشکار گفتمان که همان ساختار زبان‌شناختی متن یا کلام است؛ دوم، وجه درونی و پنهان گفتمان که همان عوامل برون‌متنی و برون‌زبانی است، یعنی بافت و موقعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فکری و فرهنگی و... که مهم‌ترین وجه گفتمان است.

به بیان دیگر، «گفتمانی مانند یک سکه دو رویه دارد، که یک روی آن گفتار است و روی دیگر آن کارکرد فکری و اجتماعی. کارکردها همه جنبه‌های فعالیت انسان را در بر می‌گیرد. از این رو، می‌توانیم گفتن فکر، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی و... داشته باشیم.^۵

بنابراین گفتمان از نظر زبان‌شناختی مجموعه‌ای است از جمله‌ها که در چارچوب یک پیام زبانی عرضه می‌شود. این پیام‌ها در سطحی بالاتر از زبان‌شناسی عمل می‌کند.^۶ اما گفتمان، متن نیست؛ در واقع، گفتمان مجموعه‌ای از شرایطی است که از ترکیب آن‌ها متن ایجاد می‌شود. متن حاصل و نتیجه گفتمان است. بیان دیگر، گفتمان فرایند و متن فراورده آن است. گفتمان پویا است و متن ایستا.^۷ گفتمان‌ها الگوهای عمل و کاربردی متن‌ها هستند و در پیوند با قدرت تعریف می‌شوند. از این رو گفتمان بخشی از ساختار قدرت در درون جامعه است و اهمیت آن در این است که بازی قدرت در جایگاهی مشخص را آشکار می‌کند.^۸

در وجه بیرونی گفتمان باید به عناصر و مقوله‌های اصلی زبان‌شناختی مانند زمان‌ها، نمودها،^۹ وجه‌ها،^{۱۰} و اشخاص،^{۱۱} که با دال‌های متفاوت در روایت یافت می‌شوند، توجه کرد.^{۱۲} اما در وجه درونی گفتمان باید به فرایندهای اجتماعی که مولد معناست توجه داشت. فرایند گفتمان‌ها به ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی- سیاسی (قدرت) شکل می‌دهند و از درون گفتارهای متفاوت جهان‌های متفاوتی درک می‌شود.^{۱۳}

گفتمان‌ها منظومه‌های معنایی‌اند که در آن‌ها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یک‌دیگر دارند هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها به تصور و فهم ما از واقعیت و جهان شکل می‌دهند.^{۱۴} چون کارکردهای فکری و اجتماعی بشر تحت تأثیر شرایط دگرگون می‌شود، گفتمان‌ها نیز پیوسته تغییر می‌یابند و جای خود را به گفتمان‌های دیگر می‌دهند. به همین دلیل، در تبیین و توجیه کارکردها و اساساً در تحلیل گفتمان باید به بافت، بستر،^{۱۵} و همچنین ایدئولوژی و روابط قدرت

توجه کرد. بدیهی است گفت‌مان نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌تواند گفته شود یا درباره آن فکر شود، بلکه درباره این امر نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند سخن بگوید. به همین دلیل، تاریخ‌نگاری به منزله پدیده‌ای زبانی با مناسبات قدرت پیوند دارد و در دوره‌های مختلف، متناسب با بافت و موقعیت سیاسی، فکری، فرهنگی، اجتماعی و... دست خوش دگرگونی می‌شود. از این رو، می‌بینیم که تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی نیز به منزله روایتی قدرتمندانه از تاریخ نقشی برجسته در بازتولید ایدئولوژی حکومت ایفا می‌کند.

این پژوهش هرگز مدعی کاربست نظریه‌ها، روش‌ها و الگوهای گفت‌مانی نیست، بلکه گفت‌مان را به مثابه یک مفهوم مطرح نظر قرار می‌دهد، به این معنا که جریان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی را با توجه به جنبه‌های درون‌زبانی و برون‌زبانی، بافتار تولید متن، ایدئولوژی و تفکر حاکم بر آن و نیز کارکردهای متنوعش به مثابه یک گفت‌مان بررسی می‌کند. بنابراین، مدعی کشف معناهای پیچیده و پیرامونی موجود در متن نیست، بلکه می‌کوشد از عملکرد ایدئولوژیکی تاریخ‌نگاری در زبان تاریخ‌نگاری، می‌دوره پهلوی پرده‌برداری کند. از این رو، گاهی ممکن است از متن‌های تاریخ‌نگارانه به معنای تعاریف آن فراتر برود. در این اثر متن‌ها به منزله روایت‌های تاریخی در مرکز فعالیت انتقادی قرار می‌گیرد. معناهای تولیدشده و نیز چگونگی تحمیل این معناها بر مردم را بررسی می‌کند.^{۱۶}

تحلیل گفت‌مان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا، پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی و عوامل برون‌زبانی (زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند. ایده کلی نظریه گفت‌مانی این است که پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و تمام نیستند. معانی هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شوند و این امر راه را برای کشمکش‌های دائم اجتماعی بر سر تعریف جامعه و هویت باز می‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی فراوانی به همراه دارد. وظیفه تحلیلگر اجتماعی آن است که روند این کشمکش‌ها بر سر تثبیت معنا در تمامی سطوح امر اجتماعی را نشان دهد.^{۱۷}

بنابراین در این پژوهش هدف این نیست که به ورای گفت‌مان گام برداریم؛ زیرا نمی‌توان خارج از گفت‌مان به حقیقت دست یافت و در نتیجه این خود گفت‌مان است که موضوع تحلیل قرار می‌گیرد. بنابراین در درجه اول، نخستین کار نگارنده این نیست که از میان داده‌های به دست آمده صرفاً گزاره‌های درست و نادرست تاریخی را از یک‌دیگر تفکیک کند؛ هرچند در مراحل بعدی به این اقدام دست می‌یازد؛ بلکه می‌کوشد پیامدهای اجتماعی روایت‌های تاریخی را بررسی کند.

این اثر به این دلیل انتقادی است که می‌کوشد نقش کارکردهای گفتمانی تاریخ‌نگاری رسمی را در حفظ و بقای حکومت پهلوی برجسته کند تا برخی از جنبه‌های روابط اجتماعی که توأم با مناسبات نابرابر قدرت‌اند، آشکار شود. بنابراین، این پژوهش قصد دارد از پیوند کارکرد گفتمانی با ساختارها و تحولات گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی سخن بگوید و به روند تغییر اجتماعی و سیاسی برای رسیدن به مناسبات عادلانه‌تر قدرت در جامعه کمک کند. زیرا پیش‌فرض تحلیل انتقادی گفتمان،^{۱۸} این است که کارکرد گفتمانی هم تغییر اجتماعی و فرهنگی را بازتاب می‌دهد و هم فعالانه در آن حضور دارد.^{۱۹}

در پایان شایسته است از بزرگوارانی که با ارزیابی‌های مشفقانه خود مرا در نگارش این اثر یاری دادند به خصوص دکتر عباس قدیمی قیداری، دکتر اسماعیل حسن‌زاده، دکتر حسن حضرتی، دکتر نیره دلیر، دکتر محمدامیر احمدزاده و دکتر محمدابراهیم آشتیانی سپاسگزاری کنم و توفیق آن‌ها را از درگاه ایزد منان خواستار باشم.

علیرضا ملائی توانی

تفاهان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زمستان ۱۳۹۴